

ساختار علمی و اجرایی همایش شاهنامه و پژوهشهای آیینی

دانشگاه فردوسی مشهد

۲۴-۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲

دبیر علمی همایش: دکتر محمدجعفر یاحقی

دبیر اجرایی همایش: دکتر فرزاد قائمی

مسئول بخش دبیرخانه و انتشارات: اعظم جنتی فر

همکاران: مرضیه دلیری اصل، سرورسا رفیعزاده، سیده کلثوم دریاباری، هانیه

اکبرنیا، نرگس نسل شاملو، فاطمه سعادت پور.

مسئول بخش پشتیبانی، رفاهی و امور مالی: محمد دره شورزاده

همکاران: علی باقریان، محمد کریمی.

مسئول بخش خبر: سیده فائقه موسوی

همکاران: نیلوفر جعفرزاده، فاطمه سوقندی.

## شاهنامه و صفویان

## رواج اسامی شاهنامه‌ای در عصر صفوی

عباس سرافرازی

هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

## چکیده

در دوره صفوی با اهمیتی که فرهنگ و زبان فارسی و هستی و هویت ایرانی پیدا کرد، توجه به شاهنامه و رواج فرهنگ و هویت ناشی از آن، گسترش بسیاری یافت. یکی از مسائلی که در آن تحول قابل توجهی به وجود آمد، رواج اسامی شاهنامه‌ای در دوره صفوی بود، با توجه به اینکه صفویان اولین دولت ملی پس از سقوط ساسانیان در ایران بودند، استفاده از اسامی ایرانی توسعه پیدا کرد، در این دوره پنج گروه اسامی را می‌توان تشخیص داد که ریشه در فرهنگ اسامی شاهنامه‌ای دارد. گروه اول: اسامی کاملاً شاهنامه‌ای و ایرانی مانند: رستم، سام و ... گروه دوم: اسامی شاهنامه‌ای - شیعی مانند: رستم علی، بهرام علی، شاه حسین و ... گروه سوم: اسامی شاهنامه‌ای - ترکی مانند رستم بیک، رستم پاشا، فریدون خان و ... گروه چهارم: نام‌های شاهنامه‌ای و صرفاً عربی (غیرشیعی) مانند عادل شاه، فرخ سلطان و ... گروه پنجم: اسامی شاهنامه‌ای - ترکی - مذهبی مانند: شاه علی خان، شاه ویرودی خلیفه و ... رونق این اسامی نشان‌گر توجه ویژه به شاهنامه در عصر صفوی و مردمی شدن این حماسه ملی و ایرانی است. نفوذ اسامی شاهنامه نه تنها در ایران، بلکه در هندوستان، ماوراءالنهر، آسیای صغیر و حتی شمال آفریقا و به نحوی شکل‌هایی از اسامی ایرانی و شاهنامه‌ای در اروپا نیز رواج یافته است.

کلید واژه‌ها: شاهنامه، نام‌های ایرانی، ایران، صفوی، هویت ملی

## مقدمه

فردوسی با سرودن شاهنامه بسیاری از واژه‌ها و اسامی کهن را که در معرض فراموشی بود، از نو زنده کرد و با ذکر این اسامی در شاهنامه آن‌ها را جاودانه ساخت، خود نیز بر این امر اقرار نمود و عنوان کرد، عجم زنده کردم بدین پارسی، چنانچه در اسامی و نام‌هایی که مردم بر فرزندان خود می‌گذاشتند، دقت شود پس از فروپاشی حکومت ساسانی بسیاری از اسامی ایرانی رو به فراموشی نهاد و اسامی عربی بر فرزندان گذاشته شد، با سروده شدن شاهنامه و احیای مجدد اسامی ایرانی فضای دیگری به وجود آمد. بنابراین تحولی در نام‌گذاری فرزندان حاصل شد که شروع تحول در اسامی را در پایان حکومت غزنویان و پس از سروده شدن شاهنامه می‌توان ملاحظه کرد. هشتمین فرد از سلسله غزنویان فرخزاد نامیده شد، که به معنای بزرگی و شوکت است. صاحب اصلی این نام از مفسران اوستا در زمان ساسانیان بوده و در شاهنامه به وی اشاره شده است. بهرام شاه، خسرو شاه و خسرو ملک از اسامی ترکیبی است که از شاهنامه اقتباس گردید و اسامی دوازدهمین تا آخرین حاکم سلسله غزنویان می‌باشند. در بین پادشاهان غوری نیز چهارمین و هفتمین پادشاهان این سلسله سام نام دارند که از شاهنامه گرفته شده که سام، به‌دینی از خاندان گرشاسب و نام جد رستم پهلوان شاهنامه‌ای است، با اینکه سلاجقه بزرگ (۴۲۹ - ۵۵۲) بیشتر اسامی ترکیبی - اسلامی دارند، اما در بین سلاجقه کرمان (۴۳۳ - ۵۸۳) اسامی ترکیبی - ایرانی و ایرانی مشاهده می‌شود. مانند توران‌شاه، ایران‌شاه، ارسلان‌شاه، بهرام‌شاه (لین پول، ۱۳۶۳: ۱۳۵). سلاجقه روم از این جهت بر دیگر هم‌نژادان خود پیشی گرفتند. اسامی شاهنامه برجسته‌ای بر پادشاهان آنان نهاده شده کیخسرو اول (۵۹۷ - ۵۸۸ ق) کیخسرو ثانی (۶۴۳ - ۶۳۶ ق) کیکاوس اول (۶۱۶ - ۶۰۷ ق) کیتباد اول (۶۳۴ - ۶۱۶ ق) کیتباد دوم، کیخسرو سوم و دیگران (لین پول، ۱۳۶۳: ۱۳۸). در بین گروه‌ها و مدعیان حکومت، اسامی ایرانی و شاهنامه‌ای بیشتر دیده می‌شود. نام فرزندان رکن‌الدین خورشاه آخرین داعی اسماعیلی ایران‌شاه و شهنشاه بود در دوره ایلخانان اسامی مانند نوروز - امیر نوروز - امیر چوپان -

شاه جهان رواج داشت و آخرین پادشاه ایلخانی نام انوشیروان عادل داشت (اقبال ۱۳۷۸: ۴۷۳) و هر چه به دوره صفوی نزدیک می‌شویم، اسامی شاهنامه در بین مردم و عوام نیز رواج بیش از حدی می‌یابد.

### صفویان و شاهنامه

در دوران صفوی بازسازی و وحدت سیاسی- مذهبی ایران شکل گرفت. صفویان احتیاج داشتند در مقابل حکومت‌های هم‌زمان خود عثمانیان، ازبکان و بابرین هند که همه ترک زبان بودند، در قلمرو حکومتی و اجتماعی خود نوعی یکپارچگی ملی را به‌وجود آورند، تا در حول این محور به از هم‌گسیختگی و مصائب باقی‌مانده ناشی از تهاجمات مغول و تیموریان خاتمه بخشند؛ در مقابل دولت‌های سنی مذهب عثمانی و دولت‌های ترک‌نژاد سنی در آسیای مرکزی و هند دولت صفوی به دنبال به دست آوردن نوعی هم‌بستگی سیاسی و اقتصادی بودند. صفویان برای استقلال سیاسی به دو عامل مذهب تشیع که مذهب اکثر مردم ایران برشمرده می‌شد و پاره‌ای از عوامل فرهنگی و فکری توجه نمودند (مورسین، ۱۳۸: ۴۱۵).

ایجاد ملتی واحد با مسئولیتی واحد در برابر دشمنان نیز تحول دیگری بود که صفویان به آن دست یازیدند (صفا، ۱۳۷۱/ ج ۵: ۷۰). در این راستا صفویان از همان ابتدا تلاش نمودند فقط با هویت ایرانی قد علم نمایند. بر همین اساس است که حسن روملو روی کار آمدن شاه اسماعیل اول را با این شعر آغاز می‌کند:

فروزنده تاج و تخت کیان      فرازنده اختر کاویان

(روملو، ۱۳۶۹: ۹۰)

جالب است که بسیاری از صفات پادشاهان عجم که در شاهنامه فردوسی ذکر شده در مورد شاهان صفوی به کار می‌رود، اسکندربیک منشی شاه اسماعیل را خسرو عهد، کیقباد زمان می‌نامد (منشی ترکمان، ۱۳۷۷: ۷۳). در جایی دیگر در نبرد چالدران شاه اسماعیل را ناسخ داستان سام و اسفندیار می‌نامد (همان، ۷۵). در کتاب *عالم‌آرای*

شاه اسماعیل، این صفات در خصوص وی ذکر شده است: پادشاه جم‌جاه، خسرو زمان، (منتظر صاحب، ۱۳۸۴: ۱۰۹). در تفاوت‌الانار القابی مانند: پادشاه جمشیدجاه، خورشیدجهان، خورشید سیما و... زیاد ذکر شده است (افوشته‌ای، ۱۳۷۳: ۱۷). انتساب این صفات به اولین پادشاهان صفوی حاکی از توجه ویژه‌ای است، که به احیای هویت ملی ایرانیان و شاهنامه پیدا شده است.

یکی از مسائل جالب توجه در دوره صفوی علی‌رغم تمامی تبلیغاتی که عنوان می‌گردد که حرکت صفویان را رنگ غیرایرانی دهد، توجه به نام‌های پادشاهان و شاهزادگان صفوی است. اولین کسی که نامش به عنوان یک شخصیت تاریخی در صدر نام بنیان‌گذاران صفوی وجود دارد فیروزشاه زرین کلاه است (منتظر صاحب، ۱۳۸۴: ۱)، که جد شیخ صفی‌الدین محسوب می‌گردد.

شاه اسماعیل اول صفوی نام فرزندان خود را نام‌های شاهنامه‌ای انتخاب نمود، تهماسب میرزا - سام میرزا - بهرام میرزا - القاسب (ارجاسب) میرزا و فرزندان دختر وی: خانش خانم، پریخان خانم، مهین بانو، فرنگیس (پارسادوست، ۱۳۷۵: ۶۶۹) و شاه زینب بیگم (منتظر صاحب: ۶۲۵).

سام در شاهنامه پسر نریمان است، به معنای سیه‌چرده آمده است که پهلوان دربار فریدون بود. فریدون در روزهای آخر زندگی‌اش، منوچهر را به او سپرد و او پهلوان دربار منوچهر شد. در جایی دیگر سام فرزند اسفندیار است. این فرد از کسانی است که به هنگام فرار خسرو پرویز به آذربادگان از شیراز به او پیوست. بهرام میرزا فرزند دیگر شاه اسماعیل است، نام او برگرفته از نام پسر شاپورین شاپور است، که پس از مرگ پدر به جایش نشست. در جایی دیگر از شاهنامه بهرام از دلاوران زمان بهرام گور است. که در حمله خاقان چین به ایران به دستور بهرام گور همراه دیگر مبارزان برای دفاع از ایران فرستاده می‌شود و یا در جایی دیگر از شاهنامه بهرام آذرهمان از دانایان دربار هرمز و بازمانده از دوره انوشیروان بود و همچنین بهرام نام ایزد پیروز در آیین زرتشت می‌باشد (ژول مول: ۱۳۶۹).

تهماسب به معنای دارای اسب قوی - فرد پیل‌تن و توانا، تهم یعنی دارنده اسب، ارجاسب (القاسب) فرزند دیگر شاه اسماعیل، یکی از شاهان توران در شاهنامه و نبیره افراسیاب است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۹۳). وی در بلخ حکومت کرد، این نام همچنین نام فرزند فیروز ساسانی است. ارجاسب، نامی پسرانه و دخترانه و ریشه اوستایی - پهلوی دارد، به معنای دارنده اسب با ارزش و از شخصیت‌های شاهنامه‌ای است.

در بین نام دختران شاه اسماعیل به اسم فرنگیس برمی‌خوریم که در شاهنامه دختر افراسیاب و زن دوم سیاوش بود، او پنج ماهه آبستن بود که سیاوش کشته شد. (جهانگیری، ۱۳۶۹: ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۲۰۲). اسامی همسران شاه اسماعیل نیز به نام‌های تاجلی (تاجلو) و فیروزه خانم ایرانی بود.

انتخاب اسامی شاهنامه‌ای را توسط بنیان‌گذار سلسله صفوی برای فرزندانش را نمی‌توان تصادفی و بدون هدف داشت، بلکه می‌توان گفت وی با حماسه‌های ملی ایران

آشنایی داشت و حامدانه و عاقلانه می‌خواست فرهنگ و تمدن ایرانی را احیا نماید؛ به همین جهت به نام‌های شاهنامه‌ای بها داد و انتساب القابی مانند کسری، کیقباد، خسرو و غیره به فرزندان و شاهان نشان از اهمیت شاهان شاهنامه نزد پادشاهان صفوی دارد. در مورد شاه طهماسب صفوی این القاب در منابع آن عصر ذکر شده است، شایسته تخت فیروز بخت کسری و کیقباد (منشی ترکمان، ۱۳۷۷: ۷۵). در مکاتبات سلطان سلیمان پادشاه عثمانی، شاه طهماسب این‌گونه خطاب شده است: عالی‌حضرت گردون بسطت خورشید افاضت برجیس، سعادت کیوان مرتبت، ثریا منزلت، دارای درایت جمشید، خصلت جم، کسری تخت؛ طهماسب نیز ضمن القابی که به سلطان سلیمان می‌دهد. به القاب پادشاهان ایرانی در شاهنامه اشاره شده است. در نامه‌های شاه طهماسب او: خاقان فریدون حشمت، جمشیدمقام، خسرو بهرام صولت، منوچهر احتشام و در جایی دیگر او را به خسرو دارای رای خورشید سریر، جمشید نظر، کیخسرو زمان، شهنشاہ کامران، نوشیروان دوران نامیده شده است. در نامه‌ای دیگر از سلطان سلیمان به شاه طهماسب او را مکرمت شعار جمشیدخورشید، داور فیروزبخت، خسرو فغفورفر،

شاه فریدون سیر و در نامه‌ای که شاهزاده سلیم فرزند سلطان سلیمان به شاه طهماسب نوشت، وی را حضرت عالی‌شأن، سامی‌مکان جمشیدنشان خورشیدعنوان کسری‌بنیان کیوان ایوان گیتی‌ستان می‌خواند و شعری به این مضمون برای شاه طهماسب در ادامه نامه آورده است:

فریدون سطوت و کاوس شوکت      نریمان هیبت و جمشید فطنت  
فلک رنبت خدیو تیر تدبیر      قمر طلعت شد بهرام شمشیر  
(نوایی، ۱۳۵۰)

در سایر مکاتبات سلطان سلیمان نیز القاب فراوان دیگری به شاه طهماسب نسبت داده شده است مانند: فریدون‌فر، همایون‌اثر، خسرو ایران، سکندر مکان دارای درایت کاوس، کیاست هوشنگ‌فراست، حاوی مفاخر کیخسروانی راوی‌مأثر جمشیدنشانی، فیروزبخت کسری، شهریار منوچهرنژاد، صورت کیقباد (نوایی، ۱۳۵۰: ۴۰۷).

با بررسی این مکاتبات به وضوح دیده می‌شود که نامیدن شاه ایران با اسامی ملی-میهنی و حماسی، نشأت گرفته از شاهنامه است و حتی پادشاهان کشورهای دیگر نیز با القاب و اسامی ملی و حماسی ایرانیان مورد خطاب قرار می‌گیرند. آنان نیز به این القاب افتخار می‌کردند.

در دوره جانشینان شاه طهماسب، شاه اسماعیل دوم و محمد خدابنده (۹۸۵-۹۸۹) به خاطر مشکلات سیاسی که به وجود و اینکه تعدادی از شاهزادگان صفوی اوضاع نابسامان بود تا اینکه شاه عباس اول (۹۸۹-۱۰۳۸) روی کار آمد، در دوره این پادشاه حکومت صفوی به اوج اقتدار و قدرت رسید توجه به شاهنامه‌نویسی، شاهنامه‌خوانی، شاهنامه‌سرایی در دوره شاه عباس به اوج خود رسید، گرچه این تحولات و توجه به شاهنامه در دوره پادشاهان قبلی صفوی نیز وجود داشت، نوشته‌شدن شاهنامه ماضی شاهنامه نواب عالی، شاهنامه صادقی در این راستا بود اسکندر بیک منشی در خصوص روی کار آمدن شاه عباسی سروده است:

مبارک بود بر تو تاج شهبان که بر توست زبینه تخت کیان (اسکندریک، ۱۳۷۷، ج ۲: ۵۸۸).

از دوره شاه عباس با توجه به عنایت ویژه او به مراسم و اعیاد ایران باستان از قبیل نوروز، جشن گل سرخ، جشن عید آب‌پاشان یا عید آبریزان که اکثراً ریشه در تاریخ ایران باستان دارد و منبع آن‌ها شاهنامه فردوسی است، توجه به فرهنگ و تمدن ایران قبل از اسلام افزایش بسیاری یافت، از آنجا که در دوره شاه عباس، شاهنامه‌خوانی در قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها و کوچه و بازار به صورت پرده‌خوانی و شبیه‌خوانی افزایش یافت، شاهنامه به درون توده‌های مردم کشیده شد و مردم با میراث فرهنگی و ادبی ایران بیشتر آشنا شدند، به همین دلیل نام‌های شاهنامه‌ای گسترش پیدا کرد و حتی نام‌هایی ترکیبی جدید به وجود آمد که قابل ملاحظه است. این نام‌های ترکیبی دو قسمتی یا سه قسمتی بود و ترکیب می‌شد از نام‌های و القاب شاهنامه‌ای با نام‌های شیعی یا نام‌های شاهنامه‌ای با پسوند یا پیشوندهای عربی و همچنین نام‌ها و القاب شاهنامه‌ای با نام‌های ترکیبی بنا بر این می‌توان گفت در دوره صفوی برخی اسامی که بر روی فرزندان خصوصاً فرزندان ذکور گذاشته می‌شد، به این ترتیب بود.

۱- اسامی صرفاً شاهنامه‌ای و ایرانی

۲- اسامی و القاب شاهنامه‌ای - شیعی

۳- اسامی و القاب شاهنامه‌ای - ترکی

۴- اسامی و القاب شاهنامه‌ای - عربی

۵- اسامی و القاب شاهنامه‌ای، ترکی، مذهبی

از دسته اول اسامی، مانند، سام، رستم، بهرام، فرخ، فرهاد، فرخزاد، فریدون، جمشید، خسرو، بیژن، سیاوش و صدها اسم دیگر می‌توان نام برد.

از گروه اسامی شاهنامه‌ای - شیعی می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: بهرام علی، رستم علی، شاه حسین، شاه علی، شاه ولی، شهرام علی.

از گروه اسامی شاهنامه‌ای - ترکی می‌توان به این اسامی اشاره کرد:



رستم‌بیک، رستم‌خان، رستم پاشا، شاه بوداق، طهماسب قلی، فرهاد بیک، فرهاد آقا، فرهاد خان، فرخزاد بیک، فریدون خان، شیربیک، شاهرخ بیک، شاهرخ خان، شاهی بیک، شاهین خان، شهباز بیک، فرخ آقا، شاه‌قلی، شاه‌گلدی بیک، جمشیدخان، جمشید بیک، پری‌خان خانم، خسرو بیک، خسروخان، خسروپاشا، بهزاد بیک، بیرام (بهرام) بیک، سیاوش بیک، سهراب بیک، رستم بهادر.

از دسته چهارم، گروه اسامی شاهنامه‌ای - عربی می‌توان به اسامی: شاه‌غازی، رستم سلطان، شیخ شاه، شاهرخ سلطان، فرخ سلطان، عادل‌شاه، جمشید سلطان اشاره نمود، دسته پنجم اسامی مرکب از نام‌های شاهنامه‌ای - ترکی و عربی بود. مانند: شاه علی خان - شاه علی بیک - شاه ویردی خلیفه، شیخ شاه بیک، شاه گلدی بیک.

### نتیجه‌گیری

شاهنامه از جمله منابع و کتاب‌هایی است که در گسترش اسامی ایرانی نقش مهم و اساسی داشته است، اگرچه پس از سروده شدن شاهنامه این کار به کندی صورت گرفت، اما پس از اینکه حکومت ملی صفویان در ایران شکل گرفت و ضرورت احیای سنن ملی و باستانی احساس شد. آنان در جهت ایجاد اتحاد و وفاق ملی تحولاتی را در جامعه به وجود آوردند. یکی از این تحولات توجه به شاهنامه و شاهنامه‌نویسی و شاهنامه‌خوانی و فرهنگ شاهنامه است، که در این راستا علاوه بر توجه به جشن‌هایی که در شاهنامه به آن‌ها اشاره شده است، توجه به اسامی پادشاهان و پهلوانان ملی و حماسی ایران برای فرزندان حایز اهمیت است، بنیان‌گذار سلسله صفوی شاه اسماعیل اسامی چهار فرزند پسر خود را نام‌های شاهنامه‌ای انتخاب کرد، که همین مسأله باعث توجه مردم به اسامی این‌چنین گردید و این مسأله تا آنجا ادامه یافت که در بسیاری از مناطق هم‌جوار با ایران اینگونه اسامی مورد توجه واقع شد. مسلم است که انتخاب نام‌های برگرفته از شاهنامه در این دوره بدون دلیل نبوده است؛ چراکه صفویان تلاش داشتند فرهنگ تمدن و ملیت ایرانی را تجدید بنا کنند و حکومت ملی در ایران

را دوباره به وجود آورند. در این راستا احیای نام‌ها، آیین‌ها و جشن‌های ایران باستان و خصوصاً توجه به شاهنامه افزایش بسیار یافت.

### منابع

- افوشته‌ای نظنزی، محمودبن هدایت الله (۱۳۷۳) نقاوه الآثار، احسان اشراقی، ج ۲، انتشارات

### علمی و فرهنگی

- اقبال، عباس (۱۳۷۸) تاریخ ایران پس از اسلام، نشر نامک، تهران.
- پارسادوست، منوچهر (۱۳۷۵) شاه اسماعیل اول پادشاهی با اثرهای دیرپای در ایران و ایرانی، بی‌جا.

- جهانگیری، علی (۱۳۶۹) فرهنگ نامهای شاهنامه، تهران، انتشارات برگ
- روملو، حسن (۱۳۴۹) احسن التواریخ، تصحیح عبدالحسین نوایی، بنگاه ترجمه و نشر

### کتاب

- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱) تاریخ ادبیات در ایران، انتشارات فردوسی، ج ۵، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹) شاهنامه، تصحیح ژول مول، ترجمه مقدمه جهانگیر افکاری، چاپ چهارم، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی

- لاین‌پول، استانی (۱۳۶۳) طبقات سلاطین اسلام ترجمه عباس اقبال دنیای کتاب
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴) تاریخ گزیده، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر
- منتظر صاحب، (۱۳۸۴) عالم آرای شاه اسماعیل، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- منشی ترکمان، اسکندریک (۱۳۷۷) تاریخ عالم آرای عباسی، محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب

- مورینن جرج (۱۳۸۰) ادبیات ایران از آغاز تا امروز، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر

گستره

- نوایی، عبدالحسین (۱۴۵۰) مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفضیلی، بی‌جا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- مورینن جرج (۱۳۸۰) ادبیات ایران از آغاز تا امروز، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴) تاریخ گزیده، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹) شاهنامه، تصحیح ژول مول، ترجمه مقدمه جهانگیر افکاری، چاپ چهارم، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی